

آشوب آذربایجان

• سارا یارمهدوی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران مطالعات قفقاز و آسیای میانه



■ یادداشت‌هایی از آشوب‌های عشایری و سیاسی آذربایجان

■ نویسنده: سرلشکر عبدالله خان امیر طهماسبی

■ تهران، نشر شیرازه، چاپ اول پاییز ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۱۲۸

همان‌طور که از عنوان کتاب پیداست، نویسنده‌ی اثر درصدد گزارش بحران‌ها و تحولاتی است که در پیوند با تکاپوهای عشایری و ایلیاتی معاصر دوره‌ی رضاخان در منطقه‌ی آذربایجان به وقوع پیوسته است. تحولاتی که ژرفای تأثیرات آن را با بررسی تاریخ این سرزمین به وضوح می‌توان مشاهده کرد. این درحالی است که طهماسبی خود از شاهدان عینی بسیاری از رخدادها و چه‌بسا از بازیگران و نقش‌آفرینان در رقم خوردن این حوادث بود. آذربایجان بستر این دگرگونی‌ها، متأثر از آن چه رخ می‌داد، گاه به عرش می‌رفت و ترقی می‌یافت و گاهی تضعیف می‌شد و افول می‌کرد و همواره پرخروش بود.

درباره‌ی نویسنده

پیش‌گفتار و بازبینی اثر مذکور به قلم کاوه بیات صورت گرفته و در همین قسمت به معرفی نویسنده پرداخته شده است. عبدالله خان امیر طهماسبی همان کلید اطلاعات پنهان، در قدرت‌گیری رضاخان پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹^۱ بوده و به تاریخ ۱۳۶۰ در تهران به دنیا آمد. عبدالله خان فرمانده گارد و محافظ احمدشاه قاجار و مدتی مافوق رضاخان میرنچ و سپس وزیر جنگ رضاشاه و دولت فروغی شد و مدتی هم به فرمانداری کل آذربایجان مشغول بود. سرآغاز زندگانی سیاسی وی در حقیقت از اواخر شهریور ۱۳۰۱ بود، هنگامی که طهماسبی پس از پشت سر نهادن فرازوفرودهایی به ریاست لشکر شمال غرب قشون متحدالشکل نائل شد.

امیر سرلشکر طهماسبی در سرنوشتی آخرین شاه قاجار و تحویل گرفتن کاخ‌های قاجاری نیز مشارکت داشت.^۲ خانواده‌ی وی از ایرانیانی بودند که به شمال رود ارس مهاجرت کرده بودند و پس از تصرف آن مناطق توسط روسیه، به تهران آمدند. پدرش جزو نیروهای قزاق بود و عبدالله نیز در تهران به مدرسه‌ی نظامی قزاق‌ها رفت. هم‌او بود که در جریان حمله‌ی نیروهای دولتی به قلعه‌ی چهریق و محاصره افراد اسماعیل سمیتقو با نیروهای تحت امر خود شرکت نمود. طهماسبی اواخر شهریور سال ۱۳۰۱ برای کسب فرماندهی کل قوا به تبریز رهسپار شد و اواخر اسفند همان سال به اردبیل رفت که ماحصل اقداماتش تسلیم شدن نصرت‌اله خان یورتچی، رشیدالملک خلخالی و (بیوک خان سردار نصرت^۳) به قوای دولتی بود. عملکرد طهماسبی و تأثیرات ناشی از آن باعث افزایش محبوبیت و شهرت وی شد^۴ و دل‌نگرانی‌های رضاخان را به دنبال داشت. چنان‌که رضاخان سعی کرد

از بومیان منطقه و اقلیت‌های قومی به شعله‌ورتر شدن بحران دامن زده و هوای استقلال‌خواهی در سر پرورانیده و سر از اطاعت دولت برتافتند. وی سرکشی‌ها را عاملی جهت سوءاستفاده و دست‌اندازی‌های همسایگان ایران قلمداد می‌کند و می‌گوید: «در هر گوشه و کنار اشخاص متنفذ دم از خودسری زده و از هرگونه تعدیات فروگذاری نمی‌کردند که بالاخره باعث تزلزل استقلال دولت می‌گردید. چنان‌چه دولت همسایه اسلامی که همه وقت از ضعف و اختلاف داخلی ایران استفاده می‌کرد، تاریخ شاهد قضیه می‌باشد در این موقع هم، نظر به تعقیب مقاصد سابقه خود با استفاده از موقع، قشون دولت مشارالیها از طرف لاهیجان به داخل ایران تخطی و یک قسمت از حدود را اشغال نمودند...» (ص ۵ کتاب) در این بین، مذاکراتی بین دولت ایران با دول همسایه از جمله ترکیه در سال ۱۳۲۲ ق جهت تحقیق بر سر مسائل مرزی صورت می‌گیرد، که منجر به تشکیل کمیسیونی می‌شود. هیئت کمیسیون ایران را احتشام السلطنه و هیئت کمیسیون ترکیه را زکی پاشا اداره می‌کنند و انعقاد معاهده نیز در سلدوز لاهیجان انجام می‌پذیرد. در ادامه نویسنده وارد بحث تکمیلی مسائل مرزی با عنوان (تحولات مرزی) می‌شود و ادعان می‌دارد که دگرگونی‌های مرزی ناشی از عصیانگری اقوام از جمله برخی از کردهای ساکن منطقه است و می‌نویسد: «به واسطه‌ی این که شدت عصیان و تمرد اکراد وضعیات حدود را تهدید و حائز کمال اهمیت بود، دولت مجبور به اسکات و تنبیه آن‌ها گردید». از طرف دیگر، تخطی ترکیه از معاهده‌ی فی‌مابین باعث بحرانی‌تر شدن اوضاع منطقه و ترغیب بیشتر عشایر و قومیت‌ها، از جمله اکراد برای کسب استقلال و قدرت بیشتر می‌شد. دامنه تجاوزات ترکیه تا کوه آغری (آرارات)، یعنی منتهالیه سرحد ایران و ترکیه پیش رفت و از حدود تعیین‌شده پا فراتر نهادند که سرانجام در سال ۱۳۳۳ ق طی معاهده‌ی دیگری حقانیت ایران در خصوص سرحدات مزکور مجدداً بررسی و اثبات گردید. مسأله‌ی بعدی (مداخله روسیه) است که گذری کوتاه بر مداخلات بیگانگان از جمله ارتش و دولت تزاری و ورود آن‌ها به تبریز دارد. این مسائل موجبات تجاوز جماعتی ارتودکس به جان و مال ساکنین مسلمان رضائیه می‌شود. طهماسبی در این باره می‌نویسد: «در سنه ۱۳۳۱ در رضائیه هم نفوذ ارتودوکس مذهب، به واسطه‌ی حمایت خلیفه ارخاندریث روس و تمرکز ارتش تزاری رو به تزاید گذاشته و با عناوین مختلف متعرض جان و مال مسلمان‌ها شده بود» (ص ۸ کتاب) در مقوله‌ی بعدی با عنوان (جنگ جهانی) طهماسبی موضع‌گیری بی‌طرفانه‌ی ایران را در قبال جنگ جهانی بررسی می‌کند و وقایع و رخدادهایی چون تشکیل اردوی میان‌دوآب، توسط حاجی شجاع‌الدوله^۱ به تاریخ ۱۳۳۳ و حمله‌ی ترکان به اردوگاه مذکور و کشته شدن کنسول روس را از نظر می‌گذراند. حوادثی که در پس بروز جنگ بین‌المللی این ناحیه را تحت تأثیر قرار داد. موضوع بعدی با عنوان (تجری مسیحیان) مربوط به اوج‌گیری دگرگیری‌های مسیحیان و مسلمان‌هاست که مسیحیان آغازگر آن بودند. طبق آنچه گفته شد، ورود روس‌ها از عوامل مهم مؤثر بر آن بود. اما در مقابل خشونت‌های مسیحیان بر مسلمان‌ها اعمال می‌نمودند، طهماسبی می‌نویسد: «در غیاب مسیحیان، مسلمان‌های رضائیه نسبت به عملیات سابقه‌ی آن‌ها با کمال نزاکت راجع به متروکات و کسان مهاجرین رفتار و نهایت مواظبت را به عمل آورده بودند» (ص ۱۱ کتاب) عناوین مطالب دیگری که نویسنده در این فصل به آن‌ها پرداخته (طوایف حلو)، (تبدیل حکومت روس)، (حکومت

به تدریج وی را از امارت لشکر شمال غرب برکنار سازد (پی‌نوشت ص ۱۰ کتب) - شاید دل‌نگرانی‌های رضاخان بیش از این جای تأمل داشت؛ چراکه سموکو پس از ملاقات با امیر طهماسبی در اردیبهشت ۱۳۰۵ و با کسب اجازه از امیر بود که توانست در حوالی صومای به‌همراه خانواده‌اش اسکان یابد (پی‌نوشت ص ۱۱) - تنزل قدرت عبدالله‌خان با جانشینی سرتیپ محمدحسین خان آیرم به جای وی در منصب ریاست لشکر شمال غرب رقم خورد و طهماسبی همراه با رضاخان پس از مدتی به تهران بازگشت و به معاونت وزارت جنگ منصوب شد. وی سرانجام در روز ۱۴ فروردین ۱۳۰۷ هنگامی که وی به قصد سرکشی راه بروجد - خرم آباد رفته بود با حمله‌ی عده‌ای از اکراد بسته شد.

آثار عبدالله‌خان امیر طهماسبی

وی شخصی متفکر و اهل قلم بود؛ چنان‌که در کنار امور نظامی آثار کم‌حجم اما قابل ملاحظه‌ای به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله: تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر^۲ (تهران، ۱۳۰۵). اثری که در صدد معرفی‌اش هستیم، مجموعه‌ای از مطالب و یادداشت‌های پراکنده‌ی طهماسبی در خصوص اوضاع سیاسی آذربایجان است که کاوه بیات تحت عنوان یادداشت‌هایی از آشوب‌های عشایری و سیاسی روزنامه‌ی بهرام، به صاحب‌امتیازی عبدالرحمن فرامرزی^۳ در پاییز و زمستان ۱۳۲۹ به صورت پاورقی مجموعه‌ای با عنوان (قسمتی از یادداشت‌های اشاره شده توسط امیر طهماسبی پیرامون تحولاتی است که در خطه‌ی آذربایجان قبل ورود وی به آن جا رخ داد، از جمله: شورش اسمعیل^۴ آقا شکاک (سمکو) در ارومیه، قیام شیخ محمد خیابانی و مطالب و موارد متعدد دیگر. هم‌چنین نوشته‌ی ناتمام او در خصوص اقبال السلطنه^۵ و علل سوءظن‌های طهماسبی به وی که منجر به بازداشت اقبال السلطنه شد نیز قابل تأمل است. البته رسائل و جزوات و کتاب‌چه‌هایی درباره‌ی تاریخچه‌ی ماکو و کتاب‌چه‌هایی با عنوان (تاریخ ساوجبلاغ مکری) از دیگر دست‌نوشته‌های وی به‌شمار می‌آید.

درباره‌ی اثر

کتاب یادداشت‌هایی از آشوب‌های عشایری و سیاسی آذربایجان دارای ۹ فصل است. در فصل یکم نویسنده سعی کرده است نیم‌نگاهی داشته باشد به این که چگونه آذربایجان جولانگاه رقابت‌های مکرر برای کسب قدرت و همواره بستری ملتهب در پی نوسانات قدرت و سیاست بوده است. در این فصل نویسنده رضاخان سردار سپه را ناجی آذربایجان معرفی می‌نماید و می‌نویسد: «در پرتو توجهات بندگان حضرت اشرف اعظم سردار سپه وزیر جنگ و فرمانده کل قشون، دامت عظمته لشکر شمال غرب، که یکی از سازمان‌های پنج‌گانه ارتش نیرومند است در مدت قلیلی برخلاف انتظارات اهالی به انجام بزرگ‌ترین خدمات موفق و در سرتاسر آذربایجان امنیت و آسایش را مسقر و مستقل نموده» (ص ۳ کتاب) (مختصری از عملیات اسماعیل آقا سمیتکو) عنوان فصل دوم اثر و در واقع طولانی‌ترین فصل کتاب است. در فصل نخست نویسنده مقدماتی جهت وسعت نظر در خصوص تحولات آذربایجان فراهم نموده و اینک در فصل دوم می‌کوشد به مسائلی چون شورش‌ها و بحران‌های ناشی از تکاپوهای اقوام و طوایف جهت کسب قدرت بپردازد. وی اوضاع آذربایجان را جگرخراش توصیف می‌کند که عده‌ای

دموکرات است. روس‌های ساکن تبریز، پس از تشکیل کمیته‌هایی، سعی کردند روابط به‌ظاهر دوستانه‌ای با ملیون برقرار نمایند، آن هم به‌منظور جبران مطالب روس‌های سابق نظامی و سیاسی روس در قبال ملیون که این اقدام از سوی شیخ محمد خیابانی با ایراد سخنرانی مورد حمایت قرار گرفت.^{۱۳} در ادامه به موضوع (برکناری سردار رشید) می‌پردازد. کارگزار وی شریف‌الدوله علیه او و همچنین علیه فرقه دموکرات، فرقه‌ای به نام نصرت تشکیل داد و فعالیت‌های او سرانجام منجر به عزل سردار رشید شد. باب دیگری که طهماسبی به آن توجه نشان می‌دهد، با عنوان (تروورهای سیاسی) جریانی بود که طی آن تعدادی از افراد منتقد و شاخص کشته شدند. سید نعمت‌اله خان که از نویسندگان معروف و البته از مخالفان دموکرات‌ها بود، نخستین قربانی این جریان بود، افرادی چون حاجی ملک‌التجار و سردار مظفر چاردولی و برخی دیگر جز قربانیان این حوادث بودند. ضمن ذکر اسامی کشته‌شدگان، نویسنده به روزنامه تجدید^{۱۴} هم اشاره دارد که متعلق به شیخ محمد خیابانی بود و پایگاهی برای تجمع دموکرات‌ها به شمار می‌رفت. هم‌چنین مکانی برای ذخیره مهمات فرقه‌ی دموکرات محسوب می‌شد. مقوله‌ی بعدی فصل (زنده باد جمهوری) است که در واقع همان نطق غرای شیخ محمد است که در عصر روز انتقال میرزا عبدالله‌خان، افسر حامی کمیته‌ی دموکرات، به شهربانی^{۱۵} صورت گرفت. نویسنده در این خصوص می‌گوید: «شیخ به پشت بامی که مشرف به شمس‌العماره، محل اقامت والا حضرت است، رفته؛ نطق مفصلی بر علیه والا حضرت نمود و در آخر نطق خود گفت حرفی را که ما گفتن آن را هنوز به ملت زود می‌دانستیم، ولیعهد مجبور کرد که بگوییم: زنده باد جمهوری». این همان نقطه‌ی عطف خطابه‌های شیخ محمد بود.^{۱۶} تا جایی که زمینه‌ساز طرح نظریه‌ی (اتحاد اسلام) هم شد و این مهم همان عنوان مبحث بعدی مد نظر نویسنده است. طهماسبی سعی کرده است عملکرد و عقاید شیخ محمد را در برقراری ارتباط با اجانب، خصوصاً ترکان

شهاب‌الدوله، (تشکیلات نظامی)، (جنایت آسوری‌ها)، (پرچم سفید)، (انتقام حلوها)، (ترک‌ها هم مزاحم بودند)، (عزیمت اتراک)، (حکومت سردار فاتح)، (هوای استقلال)، (اردوی قزاق)، (وخامت اوضاع)، (ایستادگی اسدخان)، (واقعۀ سلزور)، (مجلس تحقیق) و عنوان مقوله پایانی (سقوط ساوجبلاغ) است. یک‌بارۀ نویسنده در میانه‌ی بحث از ادامه‌ی نقد و بررسی شورش اسماعیل آقا (سمکو) صرف نظر می‌کند و می‌نویسد: «از آن جایی که مصائب وارده به اهالی رضائیه با این شرح مختصر تمام نمی‌شود، باید از شرح تطویل آن صرف نظر نموده و همین قدر خاطر نشان کرد که چندین ماه رضائیه و شاهپور و مهاباد و توابع آن‌ها در چنگال ظالمانه اسماعیل آقا از این نوع ظلم و اجحاف و فجایع در حق آنان فروگذار نمی‌شد» (ص ۳۳ کتاب) برای فصل سوم، که پیرامون عملکرد شیخ محمد خیابانی است، نویسنده عنوان (قیام خیابانی) را در نظر گرفته است. عناوین موضوعاتی که در این فصل به آن پرداخته شده (کمیته دموکرات)، (برکناری سردار رشید)، (تروورهای سیاسی)، (زنده باد جمهوری)، (اتحاد اسلام)، (همراهی سردار انتصار)، (هئیت قیامیون)، (ماجرای قنصلگری آلمان)، (تزیید اقتدار)، (ایالت مخبرالسلطنه^{۱۷}) است. در آغاز فصل روند ارتقا شیخ محمد از طلبگی و تحصیل در علوم دینی تا پیش‌نمازی در مسجد خیابان و عزیمتش به روسیه و امام جماعتی در مسجد پس از بازگشت از روسیه را دربرمی‌گیرد. خیابانی، پس از ورود به تهران به سال ۱۳۲۸ق، با هم‌نشینی و ارتباط با مجلسیان و با توجه به موضع‌گیری مقتدرانه در برابر اجانب - یعنی دول روسیه و انگلیس - هنگامی که آنان اولتیماتوم خود را ذی‌الحجه همان سال صادر کردند^{۱۸}، به شخصیتی محبوب، نافذ و مورد توجه ملی‌گرایان تبدیل شد. آن‌جا که طهماسبی می‌گوید: «از آن تاریخ طرف توجه ملیون واقع گردید و به شجاعت و رشادت معروف شد. در نتیجه همین اولتیماتوم مجلس سقوط کرد» (ص ۳۶ کتاب) موضوع بعدی که نویسنده به آن می‌پردازد، کمیته



شیخ محمد خیابانی



سرهنک رضاخان پهلوی و جمعی از افسران روسی و ایرانی آتریاد همدان
۱. محمود ایرم ۲. عبدالله امیرطهماسبی ۳. رضاخان پهلوی

و انگلیسی‌ها بیان کند. عنوان تیتیر بعدی (همراهی سردار انتصار) و مربوط به فعالیت‌های شیخ محمد برای جلوگیری از ابقای سپهسالار برای ریاست شهربانی تبریز است. در این میان سردار انتصار مأمور تحقیق رسیدگی این مسأله شد و نتایج حاصل از این مسأله، که ردپای خیابانی در آن واضح بود، را طی روند بررسی تاریخ وقت آذربایجان نمی‌توان نادیده گرفت. چراکه هر گامی از سوی خیابانی رستاخیزی انکارناپذیر به‌شمار می‌آمد. تیتیر بعدی (هیئت قیامیون) نقد طهماسبی از شخصیت و نقش شیخ محمد است. اما واقعیت این است که کارنامه‌ی درخشانی از تلاش غیورانه‌ی شیخ محمد برای اعتلای جایگاه ایران در عرصه‌ی رقابت‌های سیاسی است که به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد. در مطلب بعدی تحت عنوان (تزیید اقتدار) تشریح و قدرت و اعتبار رو به فزونی خیابانی است که نویسنده آن را موجب سرباز زدن شیخ از اطاعت اوامر دولت مرکزی می‌داند. ضدیتی که خیابانی از خود در برابر وثوق‌الدوله^{۱۸} نشان می‌دهد، بار دیگر و این بار در برابر دولت مشیرالدوله^{۱۹} اتخاذ می‌کند. تاجایی که خیابانی آذربایجان را چنان رها و درحال استقلال حس می‌کند که آن را آزادستان می‌نامد. بعد از قیام خیابانی هم‌چنان از آن به‌عنوان برای نامیدن آذربایجان بهره‌گیری می‌شد.^{۱۹} اما قسمت پایانی فصل سوم (ایالت مخبرالسلطنه) سرانجام غم‌بار رشادت‌های بزرگ‌مردی است که در راه سرافرازی میهن چهره در خاک کشید و توسط قزاق‌ها کارنامه‌ی زندگی‌اش بسته شد. فصل چهارم سرلشکر امیر طهماسبی با عنوان (شورش لاهوتی^{۲۰}) اشاره‌ی کوتاهی به لاهوتی‌خان افسر متواری ژاندارمری است که برایش حکم اعدام صادر شده بود. اما در رجعت به تبریز و ملاقات با مخبرالسلطنه، رتبه‌ی سرگردی سابق خود را به دست آورد. فعالیت‌ها و البته مطالباتی که مطرح کرد، عامل دیگری برای ایجاد دگرگونی در تبریز شد. با تحریک قوای ژاندارم، وی با قزاق‌ها درگیر شد. نویسنده مدت عملیات وی را ۶۳ روز می‌داند؛ ولی کاوه بیات آن را در پانوشت اصلاح کرده و مدت زمان آن را ۱۰ روز - دهم تا بیستم بهمن ۱۳۰۰ - می‌داند (ص ۵۵). طهماسبی در ادامه وعده می‌دهد که شرح مفصل عملیات لاهوتی‌خان را در تاریخچه‌ی امیر طهماسب انتشار خواهد داد. نویسنده نمونه‌هایی هم از اعلان‌نامه‌های لاهوتی‌خان را آورد است. لاهوتی‌خان در انتهای اعلان‌نامه‌هایش، خود را رئیس شورای سربازان و ژاندارمری آزاد معرفی می‌کند و در عبارات متعدد، سعی در جلب همراهی مردم و تحریک حس وطن‌خواهی آن‌ها دارد. فصل پنجم (مختصری از تاریخچه ایلات شاهسون^{۲۱}) شرح عملیات شانزده ساله ایلات است. نویسنده اشاره می‌کند با توجه به جابه‌جایی‌های مکرر آن‌ها قادر به تعیین معرفی مکان اسکان ثابت برای آن‌ها نیست. پس از مقدمه‌ای کوتاه، ابتدا به مبحث (تقسیمات ایلی) می‌پردازد و علل غارتگری طوایف عصیانگر را بررسی می‌کند. وی این علل را چهار مورد می‌داند: ۱- تعیین حکام با اصول رشوتی ۲- انقلابات ۱۳۲۵ هجری ۳- جریانات سیاسی بین طوایف شاهسون و در آخر وضعیت عمومی و عقاید امیر عشایر در تأسیس ملوک‌الطوایفی شاهسون.

اما در فصل ششم که تیتیر آن با عنوان (پایان کار اقبال‌السلطنه) مشخص شده، جریاناتی به هم پیوسته و معاندانه برای خدشه‌دار کردن تمامیت ارضی ایران و تلاش مغرضانه برای انضمام آذربایجان ایران به آذربایجان قفقاز تحت سیطره‌ی برخی از ترکان بومی آذربایجان ایران، با هم‌دستی اقبال‌السلطنه سردار ماکویی، بررسی می‌شود.

در فصل هفتم با عنوان (کاظم قوشچی) به این‌که چگونه قوشچی عاملی در زد و خورد سال ۱۳۳۶ ه ق علیه آشوری‌ها بود، می‌پردازد. این درگیری‌ها به شکست قوشچی انجامید و وی متحمل ۶ سال اسارت در قلعه‌ی قرخلر شد. بعدها این قلعه را سلطان علی نامیدند. وی پس از رهایی از زندان، فعالیت‌های خود را از سر گرفت. در بحث پایانی فصل، با عنوان (ابلاغیه از سنگ کاظم) دامنه‌ی فعالیت و نفوذ قوشچی مشخص شد. سپس نویسنده به بررسی عملیاتی می‌پردازد که منجر به کشته شدن قوشچی و بستگان وی گردید.

فصل هشتم، با عنوان (گزارش لشکر شمال غرب) چکیده‌ای از مطالب پیشین است که به ترتیب با عنوان تأمین ساوجبلاغ، اسکان شاهسون‌ها، نتیجه‌ی عملیات، اقبال‌السلطنه و در پایان قوشچی مشخص شده است.

در فصل پایانی یعنی فصل نهم با عنوان (ضمیمه‌ها) گزارش‌های عبدالله‌خان امیر طهماسبی، نویسنده‌ی اثر، به فرماندهی کل قوا - رضاخان - درج شده است. این گزارش‌ها عبارتند از: (راپورت از ماکو)، (راپورت تلگرافی از تبریز) و (دستگیری اقبال‌السلطنه ماکویی). نویسنده برای روشن‌تر شدن صحت گزارش‌ها، ابلاغیه‌های مرتبط را در حالی خود امیرلشکر شمال غرب بود به مطالب فصل می‌افزاید.

پایان‌بخش کتاب، نمایه اماکن و اشخاص است.

پی‌نوشت

۱ - برای مطالعه‌ی بیشتر بنگرید: خواجه نوری، ابراهیم، بازیگران عصر طلایی، تهران: جیبی، ج ۲، ۱۳۵۷، صص ۱۵۷-۱۰۶؛ باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار و نشر علم، ۱۳۸۰، ج ۳، جلدی، ج ۱، صص ۱۹۹-۱۹۶.

۲ شایان ذکر است که طهماسبی در ایجاد نظم و امنیت در آذربایجان، خصوصاً در قبال ایلات و عشایر آن عملکرد درخشانی داشت. برای مطالعه بیشتر رک به: تاپر، ریچارد، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، تهران، اختران، ۱۳۸۴. هم‌چنین بازتاب پارهای از مجالس عام‌المنفعه طهماسبی از جمله گل‌فروشی، جهت تأمین مخارج تأسیس یک بیمارستان در تبریز و نیز احداث یک ساختمان در ارومیه و مواردی دیگر در روزنامه‌های محلی وقت آمده است. بنگرید: روزنامه‌ی ستاره‌ی ایران (به تاریخ ۲۰ ۱۳۰۳)

۳ گزارش وابسته نظامی، ش ۸، ۲۴ فوریه ۱۹۲۳/ ۵ اسفند ۱۳۰۱ به نقل از: I.P.D.VOL.p. ۴۵۹.

۴ طاهرزاده بهزاد، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران: تهران: اقبال، ۱۳۶۳.

۵ از این اثر چاپ‌های دیگری هم موجود است: تاریخ شاهنشاهی رضا شاه پهلوی یا علل و نتیجه‌ی نهفت عمومی ملی ایران ۱۳۰۴، عبدالله طهماسبی: تهران، مطبعه مجلس، ۱۳۰۵ و تاریخ شاهنشاهی رضاشاه کبیر، عبدالله امیرطهماسبی، تهران، دانشگاه تهران: ۲۵۲۵.

۶ فرامرزی متولد ۱۳۲۹ شمسی فرامرزخان فارس فرزند شیخ عبدالوحد روزنامه‌نگار، وی چند دوره نماینده مجلس بود و مدتی هم سردبیری روزنامه‌ی کیهان را به عهده داشت. نامه‌های اعتراض او در روزنامه‌ی کیهان در مورد غائله‌ی آذربایجان خطاب به سید جعفر پیشه‌وری به نام استاد فرامرزی و قضیه‌ی آذربایجان گردآوری شده است. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: فرامرزی، عبدالرحمن، استاد فرامرزی و قضیه‌ی آذربایجان، تهران، دستان، ۱۳۷۹.

۷ برای آگاهی بیشتر بنگرید: کرس، کوچرا، جنبش ملی کرد، تهران، نگاه ۱۳۷۳. - اوبالاس جنبش، ادگار، جنبش کردها، ترجمه‌ی اسماعیل فتاحی قاضی، تهران، نگاه، ۱۳۷۰ - کتبان، درک، کرد و کردهستان، ترجمه‌ی ابراهیم یونسسی: عطایی ۱۳۴۸ - اوضاع سیاسی کردستان از ۱۲۸۵ ق تا زمان محمد: مجتبی برزویی، فکر نو، ۱۳۷۸ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، مهدوی مجتهدی، بی م: چاپ‌خانه نقش جهان، ۱۳۲۷ - تحقیق در مورد کرد و کردستان: محمد امین زکی، ترجمه حبیب اله تابانی، تبریز، آیدین، ۲ جلدی، ۱۳۷۷، کسروی تبریزی، احمد، تاریخ مشروطیت ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳.

۸ با پیروزی مشروطه، اقبال السلطنه منافع موروثی و تسلط خویش را بر املاک و قدرت سیاسی اجتماعی‌اش را در خطر می‌دید. بدین علت در سرکوب مشروطه‌خواهان با دیگر مستبدین همگام و در استبداد صغیر به سرکوب مشروطه‌خواهان خوی و سلطنت اقدام کرد. او توانست در این زمان به حاکمیت خویش استحکام بخشد. اما مهم‌ترین مسأله در خصوص اقبال السلطنه این است که سردار سپه (رضاخان)، امیر طهماسب را مأمور دستگیری وی کرد و طهماسب با فریب دادن وی و ایجاد روابط دوستانه، سرانجام موفق شد وی را دستگیر کند و به فرمان سردار سپه او را کشت و خزاین او را به نفع سردار سپه مصادره کرد. برای مطالعه‌ی بیشتر رک به: پایان‌نامه‌ی ارشد، جعفر آقازاده، «بررسی زندگی و اقدامات اقبال السلطنه ماکویی»، تیر ۸۷ - تاریخ ماکو، حسینقلی بیات: به کوشش حسین احدی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱ - تاریخ رجال ایران، مهدی، مقدادی، نشر چاپ‌خانه‌ی بانک بازرگانی، ۳ جلدی، ج ۳، ۱۳۴۷ - پایان‌نامه‌ی ارشد، حسین محمدزاده زنگنه، «تاریخ ماکو»، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۷۸ - موسوی ماکویی، میراسدالله، تاریخ ماکو، تهران، بیستون، ۱۳۸۱ - نصرت ماکویی، محمد رحیم، تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، چاپ‌خانه‌ی علمیه قم، ۱۳۴۲ - پایان‌نامه‌ی ارشد «نقش ایلات و عشایر ماکو در تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ ق تا پایان سلطنت رضاشاه» همد مشگی جتکابلو، ۱۳۸۲

۹ برای مطالعه بیشتر رک به: اهرامی، هومن، عملیات در تهران، صباح، ۱۳۸۴ - عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۹ - ۱۹۱۳)، مابری فردریک جیمز، تهران، رسا، ۱۳۶۹ - ایران در جنگ جهانی اول (تاریخ رضائیه)، محمد تمدن، تهران، نشر چاپ‌خانه‌ی اسلامی، ۱۳۵۰

۱۰ برای مطالعه‌ی بیشتر رک به: قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، تهران، اقبال، ۱۳۶۳

۱۱ خاطرات و خطرات «نوشته‌ی از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من»، مهدقلی هدایت، تهران، بی ن، ۱۳۲۹

۱۲ مستشاران آمریکایی و در رأس آن‌ها مورگان شوستر، پس از ورود به ایران، به مالیه ایران سامان داده و با همکاری سوئدی‌ها به ایجاد قوای امنیه جهت مالیات و حفظ راه‌ها پرداختند و از آن‌جا که تکیه‌گاه اصلی

شوستر، مموکرات‌های مخالف روسیه بودند، منجر به برخورد شوستر با سفارت روسیه شد. این خصومت روس‌ها تا بدان‌جا پیش رفت که تقاضای عزل شوستر و مستشاران آمریکایی را نمودند و ناصرالملک اولتیماتوم را پذیرفت و مجلس دوم، ۱۳۳۵، منحل شد. طهماسبی در این کتاب (یادداشت‌های ...) تاریخ صدور اولتیماتوم را ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق دانسته در حالی که باقر عاقلی در کتاب تاریخ ایران پس از اسلام، تاریخ آن را هفتم ذی‌الحجه ۱۳۳۹ ق ذکر می‌کند. (ص ۳۸) برای آگاهی بیشتر رک به: اختناق ایران، ویلیام مورگان شوستر، تهران، ماهی، ۱۳۶۸ - سال پرانده ۱۲۹۰ (هزار و دوویست و نود شمسی) شرح مأموریت مورگان شوستر آمریکایی در ایران، افسانه منفرد، تهران، کهن دیار، ۱۳۸۱

۱۳ شیخ محمد خیابانی متولد ۱۲۵۹ ش / ۱۸۸۰ میلادی خاتمه ارونق فرزند حاجی عبدالحسین نامی بود. پس از تحصیل فقه و اصول تا مرحله اجتهاد هم پیش رفت و ضمن آموختن هیئت و نجوم، مدتی هم حکمت، طبیعیات و تاریخ و ادبیات را فرا گرفت. وی روحانی مسجد جامع تبریز بود. زندگی‌اش پس از پیروزی مشروطه در ۱۲۸۵ ش با تأسیس انجمن ایالتی در تبریز وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد. در ۳۰ سالگی به‌عنوان نماینده راهی مجلس شورای ملی شد. برای مطالعه‌ی بیشتر رک به: قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، علی آزادی، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۲۹ - کسروی، احمد، قیام شیخ محمد خیابانی، تهران، نشر مرکز.

۱۴ روزنامه‌ی تجدد فضای جدیدی بود که روشنفکران ترقی‌خواهی چون خیابانی ایجاد نمودند. برای مطالعه‌ی بیشتر رک به: پیشتازان آزادی و تجدد و اصطلاحات در ایران، حسن جودت، بی ام بی ۱۳۵۲ - اتابکی، تورج، تجدد آمرانه (جامعه و دولت در عصر رضاشاه)، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵، داودپور، محمد، (تجدد و دین زدایی در فرهنگ و هنر مؤلف‌فکری در ایران از آغاز تا پایان عصر قاجار) بی م، سالکان، ۱۳۷۲

۱۵ در این‌جا به نکته‌ی مهمی باید اشاره شود. استفاده از واژه‌ی شهربانی، با توجه به محدودده‌ی زمانی وقایع مطرح شده، صحیح نیست؛ چراکه تا آن هنگام به‌جای واژه‌ی شهربانی (نظمیه) به کار می‌رفته است و شهربانی واژه‌ی نسبتاً جدیدتر است.

۱۶ نطق‌های شیخ محمد خیابانی، تهران، احسان، بی تا - دو مبارز جنبش مشروطه (ستارخان، شیخ محمد خیابانی)، رحیم رئیس نیا، تهران، آگاه، ۲۵۳۵

۱۷ برای مطالعه‌ی بیشتر رک به: باستانی‌پاریزی، محمد ابراهیم، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۱

۱۸ برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص تغییر نام آذربایجان رک به: ناهیدی آذر، عبدالحسین، جنبش آزادی‌ستان شیخ محمد خیابانی و انقلاب سوم مشروطیت، تبریز، اختر، ۱۳۷۹ - کاوه بیات، آذربایجان در موج خیز تاریخ (نگاهی به مباحث ملیون ایران و جراید باکو در تغییر نام اران به آذربایجان ۹۸ - ۱۳۷۹ ش)، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۷۹ - بیات، آصف، سیاست‌های خیابانی (جنبش تهری‌دستان در ایران)، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹ - شرح حال و اقدامات خیابانی، ...، تهران، سحر، ۱۳۵۶ - کسروی تبریزی، احمد: قیام شیخ محمد خیابانی، تهران، مرکز، ۱۳۷۶ - بیات، کاوه، بان ترکیسم، شیرازه، ۱۳۷۸

۱۹ برخی لاهوتی کرمانشاهی را با توجه به شخصیت انقلابی‌اش و خدماتی که به‌عنوان یک مهاجر ایرانی در تاجیکستان انجام داد، بنیان‌گذار تاجیکستان نوین می‌دانند. حتی وی را هم‌تراز اشخاص چون صدرالدین عینی، میرزا احسان غفوری و لایق شیر علی قرار داده و می‌ستایند. وی به تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۲۲ م از رود ارس و جلفا و سپس باکو گذشت و به تفلیس رفت و ۱۹۲۴ م وارد مسکو شد. حضورش در مرزهای شوروی و چین به‌عنوان یک فرماندهی نظامی بود و پس از مدتی به ازبکستان رفته و وارد حزب کمونیست شد و ریاست تئاتر خجند، بنیان‌گذاری اتحادیه نویسندگان، را به عهده داشت. برای مطالعه‌ی

بیشتر رک به: بیات، کاوه، کودتای لاهوتی، (تبریز بهمن ۱۳۰۰)، تهران، شیراز، ۱۳۷۶ .

۲۰ برای مطالعه‌ی بیشتر رک به: تاپر، ریچارد، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، تهران، اختران، ۱۳۸۴

۲۱ برخی دیگر از منابعی که جهت مطالعه‌ی بیشتر مفید به نظر می‌رسند: خواجه نوری، ابراهیم، بازیگران عصر طلایی، تهران، جیبی، ج ۲، ۱۳۵۷. عاقلی باقر، شرح حال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران، نشر گفتار و نشر علم، ج ۱، ۱۳۸۰ - طبرانی، بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ج ۲، ۱۳۷۶ - دانش‌نامه‌ی ایرانیکا، مکی، حسین، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۹